

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه انسان

استاد ضرابی

جلسه چهارم ۱۳/۸/۱۴۰۳

آیات شریفه: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶) - به یقین ابرار و نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است (۵) چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و [به دلخواه خویش] جاریش می کنند (۶)»

### خواهی که ترا دولت ابرار رسد؟...

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا...»: «بر»، به معنای کسانی که نیکو کاری بسیار انجام می دهند یعنی بر صفت مشابهه است از بر به معنی نیکی و نیکو کاری، کسانی که صفات ذاتی و ثابتشان این است که کار نیک انجام می دهند. غالباً به اولیاء زاهدان، اهل اطاعت و بندگی خدا اطلاق می شود. قرآن چنین کسانی را با تعبیر مختلفی ستوده است «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ- انفطار/۱۳» کسانی که در نعمت های خدا به سر می برند. «إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيَّينَ- مطفین/۱۸» کتاب و نامه عمل ابرار در جایگاه بلند و بالاست. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ- ال عمران/۹۲» کسانی هستند که در راه خدا از آنچه دارند، بهترین را می بخشند و آنچه را خود دوست دارند انفاق می کنند. کسانی که در قرآن به عنوان «اولوا الالباب» یاد شده اند می خواهند که با ابرار به دیدار حق بشتابند! «وَتَوَقَّنا مَعَ الْأَبْرَارِ- ال عمران/۱۹۳» و هنگام جان سپردن ما را با نیکان و صالحان محشور گردان.»

به من نگر که رخی همچو کهربا دارم

دلی به سوی رخ یار دلربا دارم

ز جام عشق چشیدم شراب صدق و صفا

به خَم میکده با جان و دل، وفادارم

همه ما باید از خدا بخواهیم همراه و موافق ابرار باشیم یعنی اخلاق و صفات و اعتقاد و اعمالمان مانند اینار مال، نرم خویی با مسلمانان و عفو (و) گذشت و برخورد شدید از موضع قوت با کفار مطابق آنها باشد یعنی در زمره آنها که در عالی ترین درجه ایمان قرار دارند، باشیم!

مفهوم قرآنی «بر»، در بر دارنده مراتب سه گانه اعتقاد، اخلاق و عمل صالح است؛ «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره/۱۷۷) «نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (چه این چیز بی اثری است) لیکن نیکوکاری آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال (به مستحق) بدهد، و نیز نیکوکار آنانند که با هر که عهد بسته‌اند به موقع خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و

هنگام کارزار صبور و شکیبا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند) آنها به حقیقت راستگویان و آنها به حقیقت پرهیزکارانند»

این اوصاف در عالی‌ترین مرتبه خود، در اولیای الهی تحقق دارد؛ امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (ص) درباره علی (ع) فرمود: «... أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَأَنْتَ بَابُهَا فَمَنْ أَتَى الْمَدِينَةَ مِنَ الْبَابِ وَصَلَ يَا عَلِيُّ (علیه السلام)! أَنْتَ بَابِي الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ وَأَنَا بَابُ اللَّهِ فَمَنْ أَتَانِي مِنْ سِوَاكَ لَمْ يَصِلْ وَمَنْ أَتَى سِوَايَ لَمْ يَصِلْ فَقَالَ الْقَوْمُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مَا يَعْنِي بِهَذَا قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ بِهِ قُرْآنًا لَيْسَ الْبِرُّ...». (بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۲۰۳) در مدینه باران می‌بارید. پس از آن زمانی که ابرها پراکنده شده و خورشید بیرون آمد، رسول اکرم (در میان گروهی از مهاجر و انصار آمدند. حضرت نشست و آنها نیز برگرد ایشان نشستند. زمانی که علی بن ابی طالب (علیه السلام) پیش می‌آمد، رسول خدا (به اطرافیاناش فرمود: «این علی (علیه السلام) است که به‌سوی شما می‌آید؛ قلبی خداترس و دستانی پاک دارد. این علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که جز به حق سخن نمی‌گوید. اگر کوه [از شدت فتنه] نابود شود او از دینش دست نمی‌کشد». هنگامی که علی (علیه السلام) نزدیک رسول خدا رسید، پیامبر او را مقابل خود نشاناد. پس پیامبر (فرمود: «ای علی (علیه السلام)! من شهر حکمت و تو در آن هستی؛ پس هر که بخواهد وارد شهر شود باید از در آن عبور کند تا به شهر برسد. ای علی (علیه السلام)! تو در ورود من هستی که باید از طریق تو بر من وارد شد و من نیز در [ورودی] خدا هستم. پس هر کس از طریقی غیر از تو بر من وارد شود به من نمی‌رسد و هر که جدای من به‌سوی خدا رود به او نخواهد رسید». آنگاه عده‌ای از مردم از یکدیگر سؤال کردند: «معنای این چیست؟» پس خداوند این آیه قرآن را نازل کرد: لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا... در شأن نزول آیات مورد بحث مسلم بن خالد از امام صادق (علیه السلام) و ایشان از پدرش (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: «فَوَثَّبَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و آله) حَتَّى دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ (سلام الله عليها) فَلَمَّا رَأَى مَا بِهِمْ انْكَبَّ عَلَيْهِمْ يَبْكِي وَ قَالَ...» پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله) با شتاب برخاست و به خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله عليها) آمد، و چون آن حال را مشاهده نمود، گریست و فرمود: «شما سه روز است که این وضع را دارید و من غافل از حال شما». پس جبرئیل با این آیات: إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا نازل شد. این چشمه در خانه پیامبر (صلى الله عليه و آله) می‌باشد که از آنجا می‌جوشد و روانه خانه‌های انبیاء (علیهم السلام) و مؤمنان می‌گردد» (بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۴۷)

جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل فرمود که امام علی (علیه السلام) فرمود: «... نَسَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ فِي وَلَدِهِ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ... إِلَى آخِرِ السُّورَةِ، غَيْرِي قَالُوا لَا». (بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۳۳۶) شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا غیر از من در میان شما کسی هست که خداوند درباره او و فرزنداناش نازل فرماید: إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا. گفتند: «نه»

بنابر این درخواست ما از خداوند این است. «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ، وَ جَنِّبْنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ، وَ أُوْنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى [فِي] دَارِ الْقَرَارِ، بِالْهَيْتِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ». «خدايا مرا به همراهی و همسویی با نیکان توفیق بده و از همنشینی با بدان دور بدار و به حق رحمتت من را به خانه آرامش جایگاهم بده.» (دعای روز شانزدهم ماه مبارک رمضان)

تعبیر «يَشْرَبُونَ» در «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ ...» همیشه به نوشیدن مایعات دلالت ندارد؛ مثلاً در آیه «وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعُجْلَ بِكُفْرِهِمْ» و دل‌های آنان از عشق به گوساله پر شد از آن رو که به خدا کافر بودند. (بقره/۹۳) نوشانده شدن قلب از محبت، بسته به اینکه محبت الهی باشد یا غیر آن، آثار متفاوتی دارد، اگر این محبت به خدا و اولیای او باشد، باعث آرامش و طمأنینه خواهد شد.

نکته دیگر اینکه ظرف این محبت قلب است و می‌تواند دلالت داشته باشد بر اینکه آنچه را ابرار می‌نوشند از برکات قلوب اولیایی است که مقامشان در نزد خداوند بسیار متعالی است و از فیوضات این قلوب صافی و پاک است که بر قلوب بهشتیان، سرازیر می‌شود؛ چشمه‌ای از فیوضات که هر کجا بخواهند جاری می‌سازند: «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عَبْدُ اللَّهِ يُفَجِّرُوهَا تَفْجِيرًا». آری! این چشمه شراب ظهور چنان در اختیار ابرار و عباد الله است که هر جا اراده کنند از همانجا جاری می‌سازند...» (انسان / ۶)

باده آرید در این فصل، به یاد ساقی  
نسزد رفت به گلزار بدین حال خمار  
خَم زلفی بگشا، ای صنم باده فروش  
حاجت این دل غمگین به سر زلف برآر

یعنی در ورای ظاهری که مشاهده می‌شود، که ابرار از جامه‌هایی می‌نوشند، در حقیقت این قلب مبارک پیامبر و اولیای اوست که جام قلب ابرار را حیات می‌بخشد. بلکه باید گفت به عالم امکان هر چه می‌رسد از قلب نازنین آن سرسلسه عالم خلقت و اعظم خلائق، پیامبر رحمت است.

در حدیث قدسی معروف است: لا یسْعِنی اَرْضِی و لا سَمَائِی، و لکن یسْعِنِی قلب عبدی المؤمن. «دل انسان با ایمان تخت پادشاهی خداوند رحمان است.» (بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۹، «کتاب السماء و العالم»، باب ۴)  
در واقع دل مؤمن عرش و سریر سلطنت حق و منزلگاه آن ذات مقدس، و صاحب دل، ذات مقدس است.  
اگر شوند زمن مست عالمی چه عجب  
چنین که من همه خود را شراب می بینم  
ندانم که از چه سبب تشنه ام که من خود را  
بذات و نعت و صفت عین آب می بینم  
مرا به هیچ کتابی مکن حواله دگر  
که من حقیقت خود را کتاب می بینم

بنابراین توجه به غیر حق تعالی خیانت به حق است، و حبّ به غیر ذات مقدس و خاصان او، که حبّ اوست، خیانت است. ولایت اهل بیت عصمت، و طهارت و دوستی خاندان رسالت، علیهم السلام، امانت حق است، چنانچه در احادیث شریفه کثیره «امانت» را در آیه تفسیر فرموده‌اند به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام. روایت امام صادق (ع) است درباره کریمه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» قال: هی ولایة امیر المؤمنین، علیه السلام. (اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، حدیث ۲)

امام راحل می‌فرماید: چنانچه غصب ولایت و سلطنت آن حضرت خیانت به امانت است، و نیز ترك تبعیت و اطاعت از آن بزرگوار از مراتب خیانت است.

امام خمینی (قدس سره) تذکر می‌دهد: مبدا به مجرد آنکه در قلب خود دوستی از حضرت امیر، علیه السلام، و اولاد طاهرینش دیدیم، مغرور به این دوستی می‌شویم و گمان می‌کنیم با ترك تبعیت این دوستی محفوظ می‌ماند. چه اطمینان است که اگر انسان مراقبت نکرد و آثار دوستی را ترك کرد، این دوستی باقی بماند؟

ممکن است در آن فشارهای سكرات که از برای غیر مؤمنین و مخلصین می‌باشد انسان از دهشت و وحشت، علی بن ابی طالب، علیه السلام، را فراموش کند.

در حدیث است که يك طایفه از اهل معصیت در جهنم معذب‌اند، و اسم رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، را فراموش کنند، تا بعد از آنکه مدت عذاب سرآید و از قدرات گناه تطهیر و تخلص شوند، اسم مبارک آن حضرت به یادشان آید به آنها القا شود، پس فریاد آنها به وا محمدا! صلی الله علیه و آله، بلند شود و مورد رحمت شوند. ما گمان می‌کنیم واقعه موت و سكرات آن شبیه به اوضاع این عالم است... عزیزم، تو با يك مرض جزئی تمام معلوماتت را فراموش می‌کنی، پس چه می‌شود با آن سختی‌ها و فشارها و مصیبت‌ها و وحشت‌ها؟ اگر انسان دوستی کرد و به لوازم دوستی رفتار کرد و متذکر محبوب بود و از او تبعیت کرد، البته آن دوستی با ولیّ مطلق و محبوب مطلق حقّ مورد نظر حق و محبوب حق است. (چهل حدیث، ص ۴۸۰)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا » (تنبیه الخواطر، ۱۲۲/۲) دوستی دنیا و دوستی خدا هرگز در يك دل گرد هم نمی آیند».

خواهی که ترا دولت ابرار رسد  
مپسند که از تو بر کس آزار رسد  
از مرگ میندیش و غم رزق مخور  
کین هر دو بوقت خویش ناچار رسد  
هرگز از خاطرمان نرود آنچه به کار ما می آید قلب سلیم است: « يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ » (شعراء/ ۸۸-۸۹) « روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد »؛ چراکه انسان در قلب خود خلاصه می شود!  
امام صادق (ع) می فرماید: "الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يُلْقَى رَبُّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ" (کافی، ج ۲، ص ۱۶) قلب سلیم قلبی است که خدا را ملاقات کند، در حالی که هیچ کس جز او در آن نباشد».

سرّ عشق است که جز دوست نداند دیگر  
می نگنجد غم هجران وی، اندر گفتار  
در روایت دیگری از آن حضرت (ع) آمده است: "صَاحِبُ النِّيَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ، لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمَحْدُورَاتِ بِتَخْلِيصِ النِّيَّةِ لِلَّهِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا" (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۰) «کسی که نیت صادقی دارد، صاحب قلب سلیم است؛ چرا که سلامت قلب از شرک و شک، نیت را در همه چیز خالص می کند».

روز میلاد مهین عاشق یار است، امروز  
مددی کن، سر خُم را بگشا بر ابرار  
حالتی رفت ز دیدار رُخش بر مستان  
می نگویم به کسی، جز صنم باده گسار  
صلی الله علی محمد و آله